

انتخاب راهکار مناسب ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره^۱

حجت ارژنگی مستعلی بیگلر^۱ و علیرضا محمدی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳

چکیده

سکونت‌گاه‌های غیررسمی، ناحیه‌های نابسامانی هستند که در اغلب شهرهای بزرگ و میانی کشور از جمله شهر اردبیل شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. در ایران در مواجهه با این نواحی، تاکنون راهکارهای مختلفی امتحان شده است؛ تخریب، جابجایی، مکان و خدمات، بهسازی، توانمندسازی از جمله‌ی این راهکارها بوده‌اند. اما، هیچ‌کدام از راهکارهای ذکر شده، نتوانسته‌اند منجر به سامان‌دهی پایدار این محله‌ها شوند. پژوهش حاضر به دنبال انتخاب راهکار مناسبی برای سامان‌دهی محله‌ی ایران‌آباد شهر اردبیل می‌باشد. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و از روش پیمایشی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌کند. از بین راهکارهای مختلف ۴ راهکار شامل مکان و خدمات، توانمندسازی، بهسازی و بهسازی اجتماع محور از طریق ۱۱ معیار مورد توسط ۴۵ خبره، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. از نرم‌افزارهای «DEMATEL و Super Decision» در تجزیه و تحلیل داده‌ها و انتخاب گزینه‌های مناسب استفاده شده است. از روش «DEMATEL» برای تعیین روابط بین معیارها و از روش فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) برای وزن‌دهی به معیارها و انتخاب گزینه‌ی نهایی استفاده شده است. رویکرد بهسازی اجتماع - مینا با مقدار ضریب (۰/۱۰۴)، راهکار توانمندسازی با ضریب (۰/۰۸۴)، راهکار بهسازی با ضریب (۰/۰۳۶) و راهکار تأمین زمین - خدمات با ضریب (۰/۰۰۸) به ترتیب اولویت به‌عنوان گزینه‌های سامان‌دهی محله‌ی ایران‌آباد محسوب می‌شوند. همچنین از بین ۱۱ معیار، ۳ معیار بهبود کیفیت مسکن و معابر با ضریب (۰/۲۸۶)، عملیاتی بودن با ضریب (۰/۱۱۲) و مشارکت مالک با شهرداری با ضریب (۰/۱۰۵۶۱۳) از بیش‌ترین اهمیت و تأثیر در انتخاب مناسب‌ترین راهکار برای سامان‌دهی محله‌ی ایران‌آباد برخوردار بوده‌اند. از بین رویکردهای مختلف سامان‌دهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع - مینا بهترین گزینه سامان‌دهی محله‌ی ایران‌آباد می‌باشد.

کلید واژه‌ها: سکونت‌گاه‌های غیررسمی، توانمندسازی و سامان‌دهی، برنامه‌ریزی اجتماع - مینا، محله‌ی ایران‌آباد، شهر اردبیل.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه آقای حجت ارژنگی تحت عنوان «امکان‌سنجی به‌کارگیری رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع - مینا در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی نمونه موردی: محله ایران‌آباد شهر اردبیل می‌باشد که با راهنمایی دکتر علیرضا محمدی و مشاوره دکتر عطا غفاری گیلانده و با همکاری سازمان شهرداری اردبیل در دانشگاه محقق اردبیلی تدوین گردیده است.

* نویسنده مسئول

A.mohammadi@uma.ac.ir

ارجاع به این مقاله: ارژنگی مستعلی بیگلر، حجت و محمدی، علیرضا (۱۳۹۹). انتخاب راهکار مناسب ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، فصلنامه چشم انداز مطالعات شهری و روستایی، (۱)، ۶۱-۷۵

بیان مسأله

اسکان غیررسمی یا خودجوش، شکل رایج رشد شهری در اکثر کشورهای در حال توسعه است که بیش تر مناطق به صورت غیررسمی و نه برنامه‌ریزی شده اشغال می‌شود که این امر ناشی از نیاز شدید به مسکن، به‌ویژه از سوی گروه‌های کم درآمد می‌باشد (zeilhofer & topanotti, 2008: 14). در واقع این نوع سکونت‌گاه‌ها بازتاب اصلی توزیع غیرعادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد است (Undp, 1997: 485). پیدایش سکونت‌گاه‌های غیررسمی به دوران پیش از انقلاب بازمی‌گردد و فرآیندهای پیدایش آن اروپا می‌باشد، به طوری که انگلیس ۱۰۰ سال پیش به محله‌های فقیرنشین اشاره می‌کند و آن را ناشی از انقلاب صنعتی می‌داند (Undp, 1978: 535). «بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد مردم جهان در ناحیه‌های شهری زندگی خواهند کرد. با وجود این که شهرها فقط حدود ۲ درصد از سطح زمین را به خود اختصاص داده‌اند؛ بیش از نیمی از جمعیت را در اختیار گرفته‌اند که در حال افزایش نیز است» (Egger, 2005: 2). «در چنین روندی شهرها و به‌ویژه شهرهای میلیونی کشورهای در حال توسعه به شکل غم‌انگیزی مکان تمرکز فقر شده‌اند» (Hall & Ulrich, 2005: 14). «پیامد چنین روندی شکل‌گیری اسکان غیررسمی و شرایط بد مسکن است» (Un-Habitat, 2005). «در همین ارتباط کمیسیون جهانی آینده‌ی شهرها در قرن ۲۱ میلادی هشدار داده است که به موازات رشد ابرشهرها^۱ فقر شهری در کشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را «غیررسمی شدن شهرنشینی»^۲ نامیده است» (Hallop & Pfeiffer, 200: 51)

در کشور ایران نیز اسکان غیررسمی برای اولین بار، پس از جنگ جهانی دوم پا به عرصه نهاد و رشد خیره‌کننده‌ی آن به میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۴۰ بازمی‌گردد (جوان، ۱۳۸۲: ۵) که «مقارن با گسترش تاسیسات شهری، افزایش درآمد حاصل از نفت و رونق شهرها، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون کشاورزی و عدم توجه به دگرگونی‌های اساسی در بخش کشاورزی بود» (تیموری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۴). همچنین «طبق برآوردها ۱۴ میلیون نفر (۱۹ درصد) از جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ زیر خط فقر به سر می‌بردند» (بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۷) و به دنبال رشد بیش از اندازه‌ی شهرنشینی و گسترش فقر، ۵/۵ میلیون نفر از جمعیت شهری کشور در این گونه سکونت‌گاه‌های نابسامان سکونت دارند (صابری فر، ۱۳۸۸: ۳۰). با این اوصاف می‌توان گفت که مسأله اسکان غیررسمی، مسأله‌ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقا و باز تولید و بسط آن وجود ندارد و پرداختن به آن نه تنها ضرورتی برآمده از ارزش‌های اعتقادی و انسانی، بلکه سازگار با منافع اجتماعی و پایداری سکونت‌گاه‌ها و توسعه‌ی ملی است و نباید فراموش کرد که فقر در هر جا تهدیدی برای کل می‌باشد» (صرافی، ۱۳۸۱: ۶). «برای مقابله و سامان‌دهی این سکونت‌گاه‌ها، سیاست‌های مختلفی به‌کار گرفته شده است؛ اما ناکامی برنامه‌ها و پروژه‌های متکی بر رهیافت‌های تمرکزگرا، دستوری و یک سوپیه، تکنولوژی مدار با تخصیص منابع و آموزش هر چند ممکن است دلسوزانه هم بوده باشد، اما در عمل موجب دور ماندن مردم از جریان توسعه و ناتوانمندی‌سازی اجتماعات را موجب می‌شود» (صرافی، ۱۳۷۷: ۱). آثار سوء این نگرش موجب شده تا یک حرکت قابل توجه از رویکرد دولت‌محور و عرضه مدار به رویکرد اجتماع - مبنا و تقاضا مدار در برنامه‌های توسعه و به خصوص توسعه در اجتماعات محلی به وجود آید. از این رو، رویکرد محلی‌گرایی و اجتماع - مبنایی در سال‌های اخیر همه حوزه‌های توسعه را در نوردیده است.

شهر اردبیل یکی از شهرهایی است که می‌توان گفت اسکان غیررسمی یکی از مسائل مهم آن است. در این ارتباط می‌توان توسعه‌نیافتگی روستاها را عامل افزایش مهاجرت و ایجاد سکونت‌گاه‌های غیررسمی در اردبیل عنوان کرد. به طوری که ۹۵۳۵۲ نفر که ۲۱/۵۷ درصد جمعیت اردبیل را تشکیل می‌دهند» (مهندسین مشاور پارس آریان راود، ۱۳۹۲: ۱۳۹۲).

¹ Megacities
1- Informalized urbanization

۵۳)، در این سکونت‌گاه‌های نابسامان به سر می‌برند که نیازمند توجه خاص هستند. بررسی روند رشد جمعیتی شهر اردبیل نیز حاکی از مثبت بودن رشد آن است. یکی از مشکل‌هایی که شهرها با افزایش جمعیت با آن مواجه می‌شوند، ایجاد سکونت‌گاه‌های غیررسمی می‌باشد که امروزه از بارزترین مشکلات شهرنشینی است. روند سریع شهرنشینی در شهر اردبیل نیز منجر به بروز پدیده‌ی اسکان غیر رسمی در این شهر شده است. این پدیده به زعم مقامات شهری از مشکل‌های عمده شهر می‌باشد که تأثیر نامطلوبی بر توسعه شهری داشته و معضلاتی چون بیکاری، مشکلات اجتماعی، فرهنگی و غیره را به دنبال دارد. به دلیل اینکه مشکلات مذکور به مرور سایر مناطق شهر را نیز تحت تأثیر قرار داده و میزان رشد و پیشرفت آن را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد، لذا مطالعه‌ی سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و اتخاذ راهکار مناسب در برابر این پدیده در این شهر جهت توسعه‌ی پایدار شهری ضروری به نظر می‌رسد. یکی از محلات غیررسمی در سطح شهر اردبیل محله‌ی ایران‌آباد می‌باشد. از این رو این پژوهش بر آن است تا با توجه معیارهای انتخاب مناسب‌ترین راهکار برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی، کدام راهکار می‌تواند در سامان‌دهی محله بیش‌ترین مطلوبیت را داشته باشد.

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

سکونت‌گاه‌های غیررسمی

«مفهوم اسکان غیررسمی برآمده از تجربه‌ی غرب در زمینه‌ی تفکیک اقتصاد به بخش رسمی و غیررسمی و میرایی بخش غیررسمی است که پس از چند دهه به حاشیه رانده شده و سپس تا حد زیادی از میان رفته است» (پیران، ۱۳۸۷: ۱۶). «ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهری از ابعاد مختلف زندگی، یعنی فیزیکی (مسکن ناهنجار) و از بعد اجتماعی (با فرهنگ و رفتارهای اجتماعی جدا از جامعه‌ی شهری) و از بعد اقتصادی (ویژگی‌های اشتغال، درآمد و مهارت) متمایزند و در واقع از محروم‌ترین اقشار جامعه‌ی شهری می‌باشند و به علت این محرومیت شدید در برابر هرگونه آسیب اجتماعی نیز بی‌دفاع هستند» (حاج یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۴).

دیدگاه‌های نظری شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی

به طور کلی جهت تبیین شکل‌گیری اسکان غیررسمی، سه دسته نظریه‌ی اصلی می‌توان دسته‌بندی نمود که عبارت‌اند از:

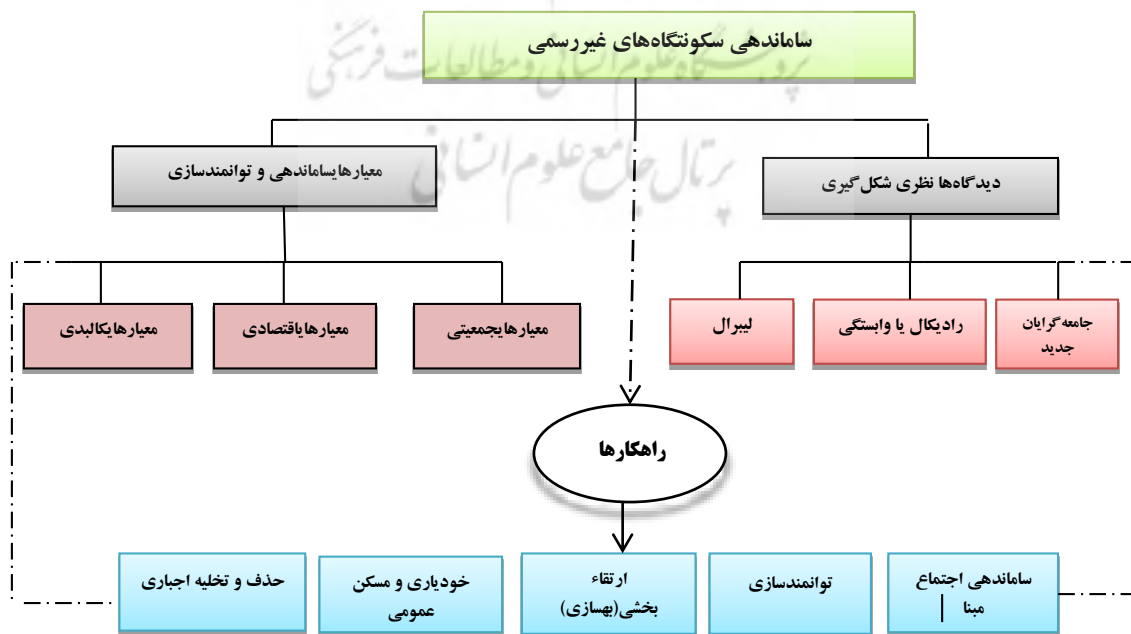
۱- دیدگاه‌های لیبرالی (نزدیک به سرمایه‌داری غربی): در این دیدگاه به‌طور عمده بر جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی و فیزیکی اسکان غیررسمی تأکید شده و ویژگی الگوی رشد اقتصادی نامتعادل مورد توجه قرار گرفته است. در واقع در این دیدگاه نگرش به مسأله خرده بوده و در آن به عوامل درونی پرداخته شده است و نقش عوامل بیرونی در شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است» (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۶-۱۷).

۲- «دیدگاه‌های رادیکال یا وابستگی (نزدیک به ساختارگرایان): به باور اندیشمندان مکتب وابستگی، توسعه‌نیافتگی و شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های اقشار فقیرنشین برآمده از ویژگی‌های درونی ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته نیست بلکه در پیوند با کشورهای پیشرفته (متروپل) از طریق روابط اقتصادی و سیاسی است که به توسعه دومی به قیمت عقب‌ماندگی و بروز مسائل حاد داخلی در کشورهای توسعه‌نیافته (قمر) انجامیده است» (همان، ۱۳۸۱: ۱۷).

۳- «دیدگاه‌های جامعه‌گرایان جدید (نزدیک به تفکرات خط سوم): دیدگاه سوم، پیدایش اسکان غیررسمی را برآمده از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و پیامدهای قهری عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصاد سرمایه‌داری، یعنی تمرکز و انباشت سرمایه و رشد ناموزون اقتصادی و در نتیجه پیدایش جامعه طبقاتی می‌داند» (همان، ۱۳۸۱: ۱۸). از این رو آن را مولود و ساختاری تعبیر می‌نماید که به حاشیه راندن فقرا در سکونت‌گاه‌های فقرزده را باعث می‌شود و پیوسته آن را باز تولید می‌کند.

راهکارهای عملی سامان‌دهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی

در زمینه‌ی سکونت‌گاه‌های غیررسمی طی دهه‌ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رویکرد مسکن عمومی با نگرشی از بالا و با اتکا به منابع دولتی، ایجاد مسکن عمومی در حل مشکل سکونت‌گاه‌های غیررسمی و قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰ نادیده گرفتن با نگرش لیبرالی و حداقل دخالت دولت در مسکن؛ توسعه‌ی اقتصادی مشکل نابهنجار و فقر به‌طور عام برطرف خواهد شد، یا به عرصه گذاشتند، در دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رویکردهای حذف و تخلیه اجباری با نگرش‌های محافظه‌کارانه، پدرسالارانه، و تخلیه‌ی اجباری و تخریب سکونت‌گاه‌ها (در کشورهای با نظام سیاسی متمرکز و خودکامه)، خودیاری با هدف ایجاد مسکنی پایین‌تر از نرخ بازار، مشارکت مستقیم فقرای شهری، شراکت تمامی فعالان برنامه‌های اجتماعی از سطح بین‌المللی تا محلی، به‌کارگیری نیروی بیکار خانوار در ساختن مسکن، مکان و خدمات جهت آباد کردن زمین جدید و تقسیم به قطعات مسکونی دارای خدمات‌رسانی، ارائه‌ی قطعات زمین با زیرساخت‌های اساسی برای گروه‌های هدف، از طریق خرید یا اجاره به‌شرط تملیک زمین و اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ رویکرد ارتقابخشی (بهسازی) با هدف تأمین خدمات پایه، سامان‌دهی کالبدی و بهینه‌سازی و اصلاح معابر و صف‌بندی ساختمان‌ها که بلوک‌بندی مجدد، تأمین امنیت، حق سکونت و مالکیت، ایجاد اشتغال و درآمد در جهت حل مشکلات سکونت‌گاه‌های غیررسمی برآمدند. رویکردهای بیان‌شده اغلب با شکست مواجه شدند» (صرافی، ۱۳۸۱: ۲۱). «این مسأله ناشی از آیین‌نامه‌های نامناسب، عدم کارایی و راکد بودن بازار زمین، کمبودهای اساسی در امور سیاسی و نظایر این‌ها بود» (خوازانی و هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۲۴). به دنبال این مسأله «در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ رویکرد توانمندسازی با ویژگی ایجاد چارچوب‌های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه بخش مسکن، توانمندسازی بازار، توانمندسازی سیاسی، توانمندسازی اجتماع محلی و ... پا به عرصه گذاشت. تجارب به‌کارگیری این رویکرد نشان از موفق بودن این رویکرد می‌باشد که نمونه روشن آن پروژه‌ی «KPI» در اندونزی می‌باشد» (ایراندوست، ۱۳۸۶: ۵۶). از دهه‌ی ۲۰۰۰ تاکنون سامان‌دهی اجتماع - مبنا با هدف درگیر کردن نیروهای بومی و محلی در فرآیندهای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، هماهنگی، کنترل و سازمان‌دهی با هدایت دولت، تأکید بر بهره‌گیری از دانش و تجربه‌ی موجود در سطح محلی؛ استفاده مؤثر از منابع، توانایی‌ها و راهبردهای منطبق با ویژگی‌ها و خصوصیات مردم محلی به‌عنوان جدیدترین رویکرد در مواجهه با سکونت‌گاه‌های غیررسمی شناخته می‌شود. شکل (۱) مدل مفهومی حاصل از مبانی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

نتایج مطالعات نیمروزی ناوخی و چراتی (۱۳۹۳)؛ نشان می‌دهد که باتوجه به شرایط محدود کننده‌ای که برای حاشیه‌نشینان از سوی سازمان‌های دولتی خدمات‌رسان ایجاد می‌شود و همچنین باتوجه به دافعه‌های مبدا مهاجرت حاشیه‌نشینان (روستاها و شهرهای کوچک) انگیزه‌های قوی در جهت خودگردانی و بقا در جامعه‌ی شهری دارند و در نتیجه‌ی اتخاذ دیدگاه توانمندسازی از سوی مسئولین با روحیه‌ی مشارکت‌جویی بالا و مداخله‌ی ساکنان مناطق حاشیه در حل مسائل تناسب بیش‌تری دارد. مطالعات نصیری (۱۳۹۳)؛ نشان می‌دهد که توجه به دیدگاه مردم و تعامل و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها، ضرورت توجه به رویکردهای برنامه‌ریزی اجتماع‌محور در سیاست‌های کاهش فقر شهری را ضروری می‌سازد. ایازی (۱۳۹۱)، بیان می‌دارد که راهکارهای ارائه شده در خصوص اسکان غیررسمی از حذف و تخریب تا بهسازی و توانمندسازی تنوع داشته است و تجربه‌های اخیر در این زمینه حاکی از غلبه‌ی دیدگاه توانمندسازی و توجه به برنامه‌های اجتماع - مبنا است. به زعم اختری (۱۳۹۱)؛ درمقطع کنونی باز شدن پنجره‌ای به نام نوسازی در برنامه‌ریزی شوراهای مدیریت محلی که قبلاً دفاتر تسهیل‌گری در قالب شوراهای راهبری برای نوسازی آماده کرده بودند، می‌تواند بعضی از نگرانی‌های موجود را برای پایداری کار در محله‌های بافت فرسوده و ادامه‌ی روند نوسازی از بین ببرد و تضمین‌کننده ادامه‌ی کار در محله‌های فرسوده باشد. نتایج مطالعات پیری و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که؛ رهیافت توانمندسازی با تأکید بر قابلیت‌ها و توانایی‌های ساکنان، ضمن حفظ کرامت انسانی حاشیه‌نشینان بهتر از سایر راهبردها در بهسازی و توانمندسازی محیطی اثرگذار است. نتایج شیبانی امین و غلامی (۱۳۹۰) در مطالعات خود به این نتیجه دست یافته‌اند؛ با توجه به ویژگی‌ها و شرایط زندگی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی، انتظار می‌رود برای حل مسأله‌ی اسکان غیررسمی در آن، دیدگاه توانمندسازی و بهسازی مشارکتی در حال حاضر مناسب‌ترین کاربرد را داشته باشد. مطالعات روستا و پالیزیان (۱۳۸۹) نشان می‌دهد؛ رویکرد توانمندسازی کم‌درآمدان این گونه سکونت‌گاه‌ها، ابزاری برای نوسازی اجتماعی و کالبدی شهرها به شمار می‌رود. مطالعات کلهرنیا (۱۳۸۷) بیان گر این است که؛ طرح‌های توانمندسازی با مشارکت اجتماعات محلی از جمله‌ی اصلی‌ترین راهبردهای ساماندهی و نهادینه‌سازی و مشارکت فقرای شهری در ارتقای شرایط زندگی است. بنابر عقیده صرافی (۱۳۸۷)؛ مسئله فقر شهری نه در چارچوب دستگیری از مستمندان و صدقه دادن، بلکه بنا بر انکشاف منابع نهفته آن‌ها و توانمندسازی موثر در توسعه‌ی اجتماعات محلی، می‌تواند راه‌گشا شود. وکسا و همکاران (۲۰۱۰)؛ پس از بررسی ویژگی‌های فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و عوامل مربوط به گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی و روش‌های مداخله در آن، توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی را برای کمک به بهبود شرایط مسکن ساکنین این مناطق پیشنهاد نموده‌اند. آکایو (۲۰۱۰)؛ در مطالعات خود در کشور آفریقای جنوبی به این نتیجه رسیده است که برنامه‌ریزی اجتماع - مبنا موجب توجه به صدای فقرای شهری و به نوعی سرمایه‌گذاری در خدمات و زیرساخت‌های اجتماعی می‌شود. طالاشی (۲۰۰۹) در مطالعات خود خاطر نشان می‌شود؛ به‌منظور سامان‌دهی اسکان غیررسمی در شهر مشهد جهت توسعه پایدار شهری بایستی یک استراتژی مبتنی بر تعاونی، با پشتیبانی مالی و خدماتی دولتی به کار گرفته شود. بانک توسعه آسیا (۲۰۰۷) یادآور می‌شود که؛ برنامه‌های سامان‌دهی سکونت‌گاه‌ها نباید تنها محدود به ارتقای بعد کالبدی سکونت‌گاه غیررسمی شود و بلکه باید توانمندسازی اجتماع محلی در دسترسی به فرصت‌های اشتغال، درآمد و اداره محلی جهت مشارکت موثر در فرآیند اجرای برنامه‌ها و طرح‌های ارتقای شرایط زندگی آن‌ها را به همراه آورد. آلن (۲۰۰۶)؛ در مطالعه‌ی برپهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی و در نظر گرفتن پروژه‌های مدیریت اجتماع محور به‌عنوان بخشی از برنامه‌های بلندمدت توسعه به منظور دستیابی به اثربخشی این پروژه‌ها و نیز توانمندسازی مردم محلی تأکید می‌کند. مطالعات گیلس پیه (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که؛ به‌کارگیری رویکرد اجتماع‌محور در برنامه‌ها توانمندسازی و پروژه‌های بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی؛ به افزایش اثربخشی، کارایی و پایداری برنامه‌ها در پرداختن به اولویت‌ها و نیازهای فقیرترین ساکنان در این سکونت‌گاه‌ها می‌انجامد. در بررسی مجموعه‌ی تالیفات و پژوهش‌های انجام شده به این نکته برمی‌خوریم که اغلب مطالعات انجام شده به شناخت آماری جامعه سکونت‌گاه‌های غیررسمی

شهرهای کشور پرداخته و به توصیف وضعیت آن‌ها اهتمام و یک راهکار را توصیه نموده اند. پژوهش‌های اندکی راجع به انتخاب راهکارها یا جرایب جهت حل این پدیده ارائه شده است. لذا پژوهش حاضر برآن است تا با ارائه‌ی سیاست‌ها و راهکارهای علمی و انتخاب راهکار مناسب ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، گامی هرچند کوچک در جهت ساماندهی و ارتقای کمی و کیفی محیط زیست ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی بردارد.

روش پژوهش

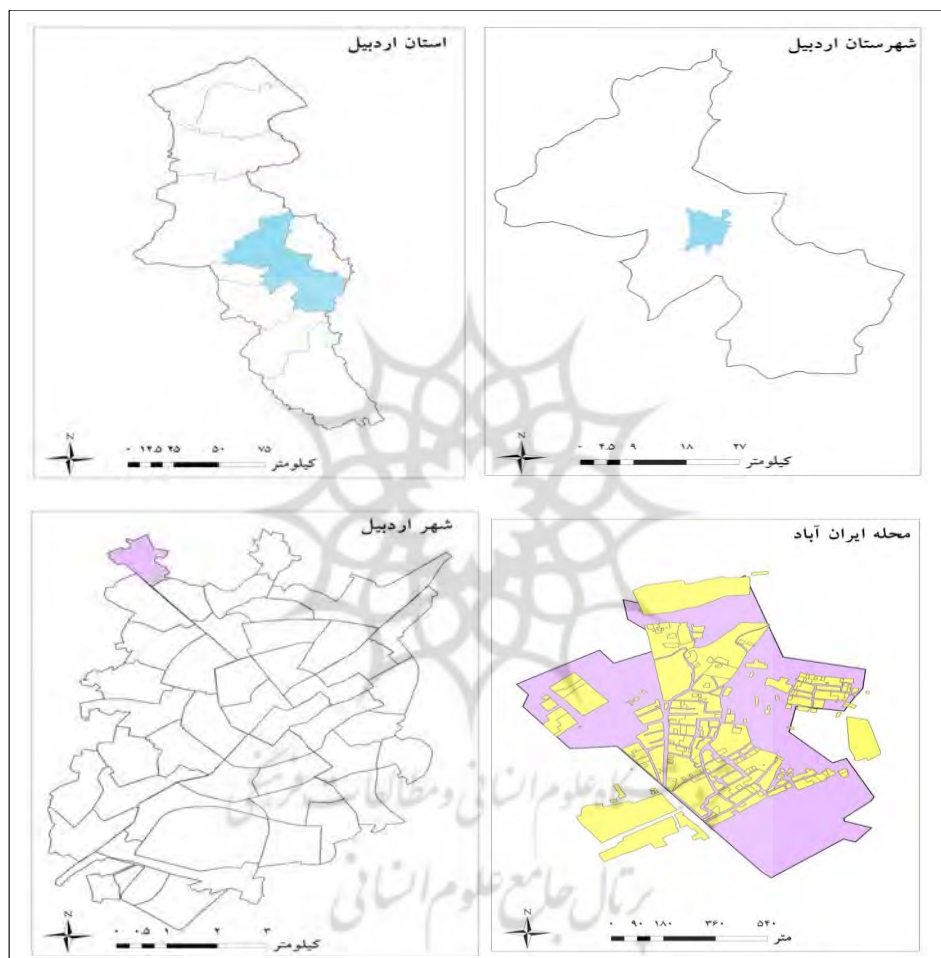
پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی کاربردی - توسعه‌ای است و از آن‌جا که در قالب یک مطالعه‌ی موردی صورت می‌گیرد، یک تحقیق پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش راهکارهای مختلف برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی اولویت‌بندی شده است. از آنجا که عوامل متعددی در اولویت‌بندی و انتخاب مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین راهکار دخیل است، لذا با نوعی تصمیم‌گیری پیچیده در این قسمت مواجه هستیم. از جمله روش‌های مشهور در مواجهه با مسائل تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی گزینه‌ها، فنون «MCDM» است. این فنون با اتخاذ الگوریتم‌های خاصی قادر به ارزیابی عوامل مختلف در تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه مناسب هستند. فن به کار گرفته شده در این پژوهش، از جمله روش‌های مشهور MCDM به نام فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) با ترکیبی از روش «DEMATEL» می‌باشد. در این رابطه معیارها، شاخص‌ها و گزینه‌های مناسب انتخاب گردیده و پس از تعیین روابط به روش DEMATEL، پرسش‌نامه‌ی تهیه شده در اختیار ۴۵ نفر از کارشناسان و خبرگان در ارتباط با موضوع قرار داده شده است تا مقایسات زوجی را انجام دهند (طبق پژوهش‌های قبلی انجام گرفته و نظرات کارشناسان، پرسش‌نامه‌ی تهیه شده حداقل در اختیار ۳۵ نفر خبره قرار می‌گرفت، اما طبیعی است که هر چه تعداد پرسش‌نامه‌ها بیشتر باشد، اعتبار نتایج به دست آمده بیشتر خواهد بود. بنابراین در این پژوهش جهت بالا بردن نتایج تعداد پرسش‌نامه به ۴۵ پرسش‌نامه ارتقاء داده شد). در انتخاب کارشناسان سعی بر این بود علاوه بر تخصص در موضوع اسکان غیررسمی و آشنا با شهر اردبیل و منطقه، با روش ANP آشنایی کامل داشته باشد. بعد از انجام مقایسات زوجی، نتایج پرسش‌نامه‌ها به روش «Copeland» محاسبه شده، و ضمن طبقه‌بندی اطلاعات اولیه، به تبع آن مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) تهیه و در نرم‌افزار Super Decisions اجرا شد. شکل (۲) فرآیند کلی انجام پژوهش را نشان داده می‌دهد.



شکل ۲. فرآیند انجام پژوهش

محدوده‌ی مورد مطالعه

محله‌ی ایران‌آباد یکی از محله‌های مرسوم در ناحیه ۱۱ از منطقه ۴ شهرداری اردبیل می‌باشد که در شمال‌غربی شهر اردبیل و در ضلع غربی جاده قدیم مشکین شهر واقع شده است. این محدوده از شمال به اراضی کشاورزی، از جنوب به محدوده‌ی کریم‌آباد و میراشرف، از غرب به اراضی کشاورزی روستای اردی و از شرق به جاده قدیم مشکین شهر محدود می‌شود (طرح جامع اردبیل، ۱۳۹۰: ۸۶). براساس آمارهای موجود در سال ۱۳۹۴، کل جمعیت محله‌ی ایران‌آباد ۲۸۹۳ نفر می‌باشد، که ۰/۶ درصد از کل جمعیت شهر اردبیل را تشکیل می‌دهد. از این تعداد ۱۴۶۰ نفر مرد و ۱۴۳۳ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. تعداد خانوار در محله ۶۳۷ خانوار و بعد خانوار ۴/۵۴ نفر می‌باشد.



شکل ۳. موقعیت محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

اجرای مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP).

گام اول: تعیین معیارها و شاخص‌های استاندارد برای موضوع مورد مطالعه و دسته‌بندی به‌عنوان عناصه و خوشه‌ها یا گزینیه‌ها.

در این قسمت باید هدف و موضوعی که می‌خواهیم بر روی آن مطالعه کنیم را انتخاب می‌کنیم. هدف و موضوع ما، انتخاب بهترین رویکرد برخورد با سکونت‌گاه غیر رسمی محله‌ی ایران‌آباد می‌باشد. برای انتخاب بهترین رویکرد برخورد با سکونت‌گاه‌های غیر رسمی باید معیار و ملاک بهترین‌ها را به‌شنا سیم. پس مرحله‌ی اول بعد از انتخاب هدف، تعیین معیار است. برای تعیین معیارها در این پژوهش از روش پرسش‌نامه استفاده شده است. یعنی مجموعه‌ای از معیارها را

انتخاب و از کارشناسان خواسته شد معیارهای برتر را انتخاب کنند. در نهایت، معیارهای زیر برای انتخاب بهترین رویکرد برخورد با سکونت‌گاه غیررسمی ایران‌آباد تعیین گردیدند:

ایجاد چشم‌انداز حمایتی برای اقشار کم‌درآمد، بهبود امنیت اجتماعی، ارتقای قیمت زمین و مسکن، بهبود کیفیت مسکن و معابر، تأمین تأسیسات و زیرساخت‌ها، عملیاتی بودن، فراگیر بودن، استمرار روش، مشارکت مالی، مشارکت مالک با شهرداری، مشارکت با همسایگان برای تجمیع.

در مرحله بعدی معیارهایی که با یکدیگر مشابهت دارند در یک گروه قرار داده شدند تا کار ارزیابی آسان‌تر و البته معقول‌تر گردد. در این پژوهش، معیارها در قالب ۱۱ عنصر و ۴ خوشه دسته‌بندی گردید که در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

جدول ۱. عناصر و خوشه‌های انتخاب مناسب‌ترین راهکار

مشارکت	وضعیت کالبدی	اثربخشی و کارآیی	فرهنگی و اجتماعی
مشارکت مالی	ارتقاء قیمت زمین و مسکن	عملیاتی بودن	ایجاد چشم‌انداز حمایتی برای اقشار کم‌درآمد
مشارکت مالک با شهرداری	بهبود کیفیت مسکن و معابر	فراگیر بودن	بهبود امنیت اجتماعی
مشارکت با همسایگان برای تجمیع	تأمین تأسیسات و زیرساخت‌ها	استمرار روش	-

همچنین از بین راهکارهای مختلف برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی، ۴ راهکار، زمین و خدمات، بهسازی، توانمندسازی و رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع مبنا به‌عنوان گزینه تعیین گردیدند. در این حالت مناسب‌ترین راهکار از بین راهکارهای مذکور انتخاب خواهد شد که در جدول (۲) مشاهده می‌گردد.

جدول ۲. گزینه‌های انتخاب مناسب‌ترین راهکار

گزینه‌ها
زمین و خدمات
بهسازی
توانمندسازی
برنامه‌ریزی اجتماع - مبنا

گام دوم: ساختن خوشه‌ها و عناصر در نرم‌افزار «Super Decision» و تعیین روابط آن‌ها.

« این که بین عناصر چه ارتباطی وجود دارد و کدام عناصر می‌توانند روی هم تأثیر بگذارند و حکم قاضی را ایفا کنند، مرحله‌ی بسیار مهم و کلیدی در ANP می‌باشد. بدیهی است عناصری که تعیین می‌گردد، همگی از یک جنس نبوده و همه‌ی آن‌ها روی هم اثرگذار نمی‌باشند. بنابراین باید با بکارگیری روشی بتوان عناصری که با همدیگر ارتباط دارند را شناخت تا از طریق این ارتباطات، مقایسه‌ی زوجی بین آن‌ها صورت گیرد.

تعیین روابط همانند تعیین معیارها می‌تواند از طریق شناخت عمیق از موضوع و منطقه‌ی مورد مطالعه، کارها و مطالعات پیشین و یا از طریق مصاحبه با کارشناسان و مسئولان امر انجام شود، ولی استفاده از روش پرسش‌نامه بسیار مورد تأکید است؛ چون این امر مرحله، مرحله‌ی بسیار مهمی می‌باشد و اشتباه در این مرحله، موجب اشتباه در تمامی مراحل بعدی خواهد شد» (پور خباز و همکاران، ۱۳۹۲: ۶). مدلی که برای تعیین روابط بین عناصر استفاده می‌گردد، روش «دیماتل» (Dematel) می‌باشد که از طریق پرسش‌نامه صورت می‌گیرد. برای تعیین روابط بین عناصر،

پرسش‌نامه‌ای تهیه گردید و در اختیار ۲۰ نفر از خبرگان و کارشناسان مربوط موضوع و آشنا با روش دیماتل قرار داده شد تا عناصر را باهم مقایسه کرده و برحسب میزان اثرگذاری شان بر یکدیگر از ۱ تا ۵ ارزش‌یابی کنند. در این ارتباط عدد ۵ به معنای بیش‌ترین ارتباط و وابستگی بین دو معیار و عدد ۱ به معنای کمترین ارتباط یا در اساس بدون ارتباط است (جدول ۳).

جدول ۳. متغیرهای بیانی و اعداد متناظر آن

اعداد	مقادیر مقیاس بیانی
۵	تأثیر بسیار زیاد
۴	تأثیر زیاد
۳	تأثیر کم
۲	تأثیر بسیار کم
۱	بدون تأثیر

پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ی دیماتل توسط خبرگان و کارشناسان، برای محاسبه‌ی نتایج پرسش‌نامه از نرم‌افزار «Excel و Matlab» استفاده شد. بعد از اعمال محاسبات، ماتریسی بین عدد ۱ و صفر به دست می‌آید که می‌توان از طریق این ماتریس روابط بین عناصر و گزینه‌ها را تشخیص داد. در این ماتریس عناصر و گزینه‌های بخش سطر؛ متغیر مستقل و عناصر و گزینه‌های بخش ستون‌ها، متغیر وابسته می‌باشند. اگر تقاطع دو خانه عدد ۱ باشد این به این معنی است که عنصر یا گزینه‌ی بخش سطر، بر معیار بخش ستون تأثیر می‌گذارد ولی اگر عدد این خانه صفر باشد یعنی عنصر سطر تأثیری بر ستون ندارد، ولی ممکن است عکس آن ممکن باشد. جدول شماره (۴) ماتریس صفر و یک به دست آمده از پرسش‌نامه دیماتل را نشان می‌دهد.

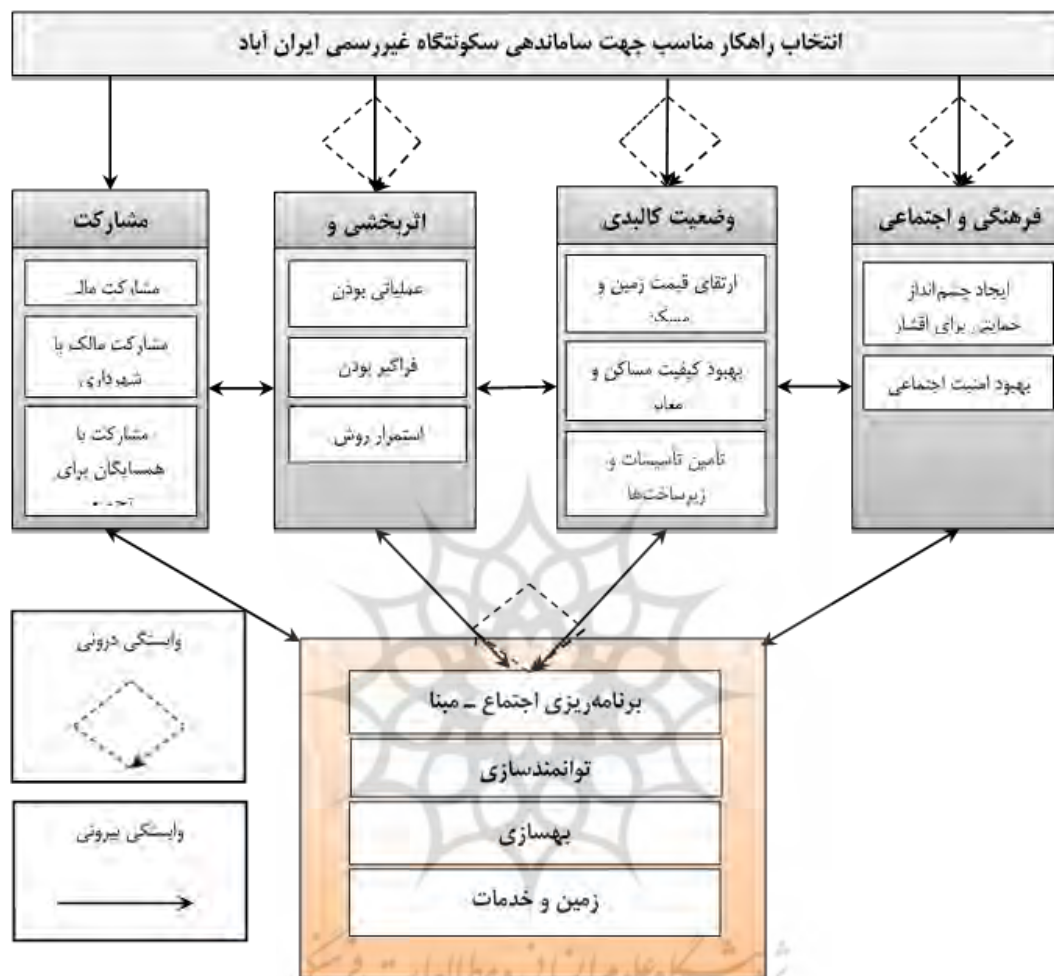
جدول ۴. ماتریس صفر و یک به دست آمده از روش دیماتل جهت تعیین روابط عناصر

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
۲	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰
۳	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰
۴	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰
۶	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۷	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰
۸	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰
۹	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰
۱۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰
۱۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰

۱. مشارکت مالی ۲. مشارکت مالک با شهرداری ۳. مشارکت همسایگان برای تجمیع ۴. عملیاتی بودن ۵. فراگیر بودن ۶. استمرار روش ۷. ارتقاء قیمت زمین و مسکن ۸. بهبود کیفیت مسکن و معابر ۹. تأمین زیرساخت‌ها و تأسیسات زیربنایی ۱۰. ایجاد چشم‌انداز حمایتی برای اقشار کم‌درآمد ۱۱. بهبود امنیت اجتماعی محلات

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آخرین مرحله‌ی کار این است که روابط تعیین شده را بر عناصر و گزینه‌ها اعمال کنیم. پس از اینکه روابط به عناصر و گزینه‌ها اعمال شد، نرم‌افزار نوع روابط بین خوشه‌ها را نیز تعیین می‌کند. شکل شماره (۳)، نمای کلی از خوشه‌ها، عناصر و گزینه‌های پژوهش را نشان می‌دهد که روابط بین آن‌ها تعیین گردیده است.



شکل ۴. فرآیند تحلیل شبکه‌ای پژوهش

گام سوم: مقایسات زوجی بین عناصر، خوشه‌ها و گزینه‌ها.

مرحله‌ی مقایسات زوجی اصلی‌ترین مرحله در مدل ANP می‌باشد. در این مرحله معیارها باهم دیگر به صورت زوجی و تک‌به‌تک مقایسه می‌شوند تا مشخص شود برای موضوع ما کدام معیار مهم‌تر است. این مقایسات براساس یک «معیار کنترلی» انجام می‌گیرد. تنها زمانی یک معیار می‌تواند به‌عنوان معیار کنترلی در نظر گرفته شود که بر معیارهای دیگر اثر بگذارد. چرا که معیار کنترلی برای ما حکم قاضی را دارد و یک قاضی باید بر افرادی که قضاوت می‌کند آشنایی داشته باشد. پس تنها زمانی می‌توانیم یک معیار را به‌عنوان معیار کنترلی انتخاب کنیم که بر روی آن‌ها تأثیر گذاشته باشد یعنی؛ در مرحله‌ی تعیین روابط اثرگذاری این معیار بر آن‌ها تأیید شده باشد (زبردست، ۱۳۸۹: ۸).

برای انجام مقایسات زوجی در این پژوهش، ضمن تهیه‌ی پرسش‌نامه، آن‌را در اختیار ۴۵ نفر از کارشناسانی که به موضوع آشنایی داشتند گذاشتیم و از آن‌ها خواسته شد تا میزان ارزش هر معیار نسبت به معیار دیگر را از ۱ تا ۹ ارزش‌یابی کنند. اعداد مربوط به درجه‌های اهمیت مختلف در مقایسات زوجی در جدول (۵) آورده شده است.

جدول ۵. اعداد مربوط به درجه‌های اهمیت مختلف در مقایسات زوجی

درجه اهمیت	تعریف
۱	عنصر I نسبت به عنصر J دارای اهمیت یکسان است
۲	عنصر I نسبت به عنصر J دارای اهمیت نسبتاً یکسان است
۳	عنصر I نسبت به عنصر J دارای اهمیت کم است
۴	عنصر I نسبت به عنصر J دارای اهمیت نسبتاً کم است
۵	عنصر I نسبت به عنصر J دارای اهمیت زیاد است
۶	عنصر I نسبت به عنصر J دارای اهمیت نسبتاً زیاد است
۷	عنصر I نسبت به عنصر J دارای اهمیت خیلی زیاد است
۸	عنصر I نسبت به عنصر J دارای اهمیت نسبتاً خیلی زیاد است
۹	عنصر I نسبت به عنصر J کاملاً مهم‌تر است

مأخذ: (Saaty, 1999.6)

پس از تکمیل پرسشنامه، برای محاسبه علمی نتایج پرسش‌نامه روش Copland مورد استفاده قرار گرفت.

گام چهارم: محاسبه ضریب نهایی عناصر و گزینه‌ها از طریق ابرماتریس.

ابر ماتریس، آخرین مرحله در فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) می‌باشد. در این بخش است که در نهایت پس از محاسبات طولانی، ضریب و ارزش نهایی هر عنصر و گزینه تعیین می‌گردد. برای محاسبه ضریب نهایی، باید سه نوع ابر ماتریس مورد محاسبه قرار گیرد:

۱۴ ابر ماتریس غیر وزنی

ابر ماتریس غیر وزنی همان نتایج اولیه حاصل از ماتریس‌های اولیه می‌باشد که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و ابر ماتریس غیر وزنی را تشکیل می‌دهند. پیوست شماره (۱) نتایج ابر ماتریس غیر وزنی خوشه‌ها و عناصر را نشان می‌دهد.

۱۴ ابر ماتریس وزنی

بعد از اینکه ابر ماتریس غیر وزنی را به دست آوریم، باید ابر ماتریس وزنی محاسبه شود، یعنی ماتریسی که جمع مقادیر هر ستون آن، یک است. برای این کار باید از نتایج به دست آورده شده نرمال‌گیری شود؛ همه‌ی اعداد ستون‌ها جمع و بر یک عدد ثابت تقسیم یا نرمال می‌شود. پیوست شماره (۲) نتایج ابر ماتریس وزنی خوشه‌ها و عناصر را نشان می‌دهد.

۱۴ ابر ماتریس حدی

آخرین ابر ماتریس، ابر ماتریس حدی است. برای به دست آوردن سوپر ماتریس حدی، نیاز است تا سوپر وزنی (موزون) را به توان برسانیم، تا همه‌ی عناصر سوپر ماتریس همانند هم شوند (با هم برابر شوند). این کار با تکرار انجام می‌شود؛ در چنین حالتی است که سوپر ماتریس حدی به دست می‌آید. در این حالت وزن نسبی هر یک از معیارها به دست آمده است. هدف از به حد رساندن سوپر ماتریس وزنی، این است که تأثیر نسبی درازمدت هر یک از عناصر آن در یکدیگر حاصل شود (زبردست، ۱۳۸۹). پیوست شماره (۳) نتایج ابر ماتریس حدی را نشان می‌دهد.

ماتریس خوشه‌ها و نرمال‌سازی ضریب عناصر و گزینه‌ها.

پس از محاسبه‌ی آخرین ابر ماتریس یعنی ابر ماتریس حدی؛ مرحله بعدی برای تعیین ارزش و ضریب نهایی عناصر گزینه‌ها، محاسبه نتایج ماتریس خوشه‌ها و نرمال‌سازی ضریب عناصر و گزینه‌ها در ابر ماتریس حدی توسط ضریب

خوشه‌ها می‌باشد. طبق جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود که گزینه‌ها (ALTERNATIV) بیش‌ترین ارتباط را با خوشه مشارکت با ضریب $0/237793$ دارند، یعنی برای سامان‌دهی با هر یک از رویکردها، جذب مشارکت اجتماع محلی در اولویت اول قرار دارد.

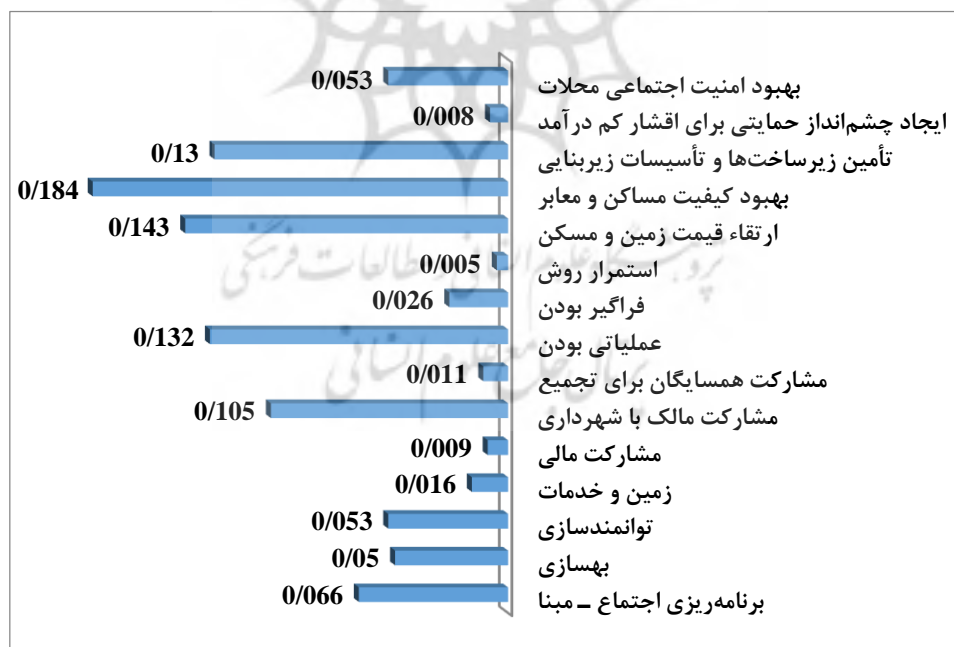
جدول ۶: نتایج ماتریس خوشه‌ها و نرمال‌سازی ضریب عناصر و گزینه‌ها

Cluster Node Labels	گزینه‌ها	اثر بخشی و کارایی	فرهنگی و اجتماعی	مشارکت	وضعیت کالبدی
گزینه‌ها	$0/257$	$0/166$	$0/115$	$0/237$	$0/103$
اثر بخشی و کارایی	$0/284$	$0/162$	$0/165$	$0/0675$	$0/278$
فرهنگی و اجتماعی	$0/092$	$0/045$	$0/295$	$0/143$	$0/087$
مشارکت	$0/147$	$0/206$	$0/0442$	$0/000$	$0/093$
وضعیت کالبدی	$0/218$	$0/418$	$0/379$	$0/551$	$0/436$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

گام پنجم: محاسبه‌ی نتایج نهایی

بعد از محاسبات فراوان، در این مرحله وقت آن رسیده است که نتایج نهایی کار را در مدل تحلیل شبکه‌ای (ANP) مشاهده کنیم. ضرایب ابر ماتریس در ضرایب ماتریس خوشه‌ها نرمال می‌شود و در نهایت نتیجه‌ی نهایی عناصر و گزینه‌ها و اولویت آن‌ها مشخص می‌شود.



شکل ۵: نتایج نهایی عناصر و گزینه

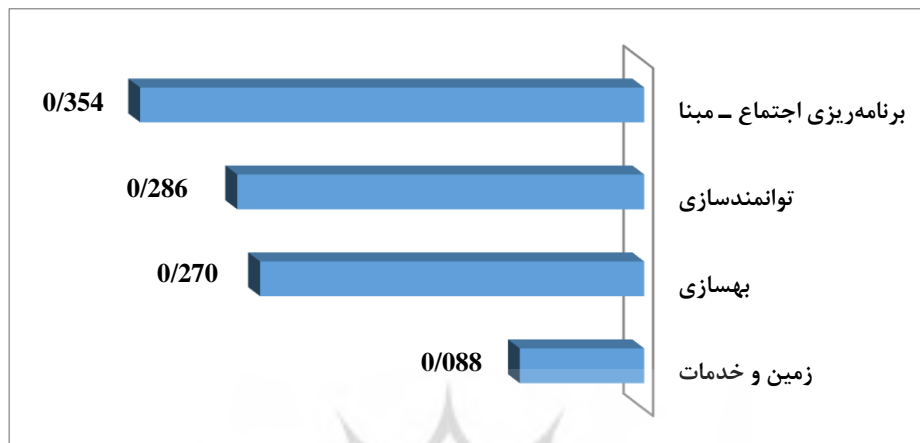
طبق نتایج نهایی مدل، ۴ معیاری که بیش‌ترین امتیاز را برای انتخاب بهترین رویکرد به‌دست آورده‌اند عبارت‌اند از:

- ۱- بهبود کیفیت مسکن و معابر با ضریب ($0/184$)
- ۲- ارتقای قیمت زمین و مسکن با ضریب ($0/143$)

۳- عملیاتی بودن با ضریب (۰/۱۳۲)

۴- تأمین تأسیسات و زیرساخت‌ها با ضریب (۰/۱۳۰)

با توجه به ضرایب به دست آمده معیارها، مشاهده می‌شود که بیشترین ضریب اختصاص به معیارهای کالبدی دارد در نتیجه هر یک از راهکارها برای این که بتوانند باعث سامان دهی محله‌ی ایران آباد شوند، باید بیش تر معیارهای کالبدی را مدنظر قرار دهد (شکل ۵).



شکل ۶: نتایج نهایی مقایسات زوجی گزینه‌ها در (ANP)

طبق شکل شماره (۶)، نتایج حاصل از مقایسات در مدل ANP نشان می‌دهد که؛ رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع - مبنا با ضریب نرمال (۰/۳۵۴) به عنوان مناسب‌ترین راهکار از نظر کارشناسان برای ساماندهی محله‌ی ایران آباد انتخاب شده و بعد از آن رویکرد توانمندسازی با ضریب (۰/۲۸۶)، بهسازی با ضریب (۰/۲۷۰) در رده‌های دوم و سوم و رویکرد تأمین زمین و خدمات با ضریب (۰/۰۸۸) در رده‌ی آخر قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقوله‌ی سکونت‌گاه‌های غیررسمی یکی از مباحث اساسی، سامان‌دهی می‌باشد و برای حرکت در این مسیر یکی از راهکارهای مؤثری که می‌تواند مدنظر قرار گیرد، ساماندهی براساس رویکرد اجتماع - مبناست. همچنین ارزیابی تجربه‌های حاصل از رویکردهای توسعه طی دهه‌های گذشته‌ی مسأله نشان می‌دهد که به‌ندرت برای حل مسائل جوامع شهری و روستایی و به‌خصوص محلات فقیرنشین، راه‌حل پایدار ارائه می‌دهند. چرا که این الگوها معمولاً بر سنجش نیازها به‌وسیله‌ی برنامه‌ریزان در فرآیندی از بالا به پایین مبتنی هستند. مروری بر طرح‌های توسعه شهری و روستایی در ایران نیز حاکی از غلبه‌ی الگوهای توسعه پیش‌گفته است. آثار سوء این نگرش موجب شده تا یک حرکت قابل‌توجه از رویکرد دولت‌محور و عرضه مدار به رویکرد اجتماع - مبنا و تقاضا مدار در برنامه‌های توسعه و به‌خصوص توسعه‌ی اجتماعات محلی به وجود آید. تأکید بر اجرای برنامه‌های توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی نیز بی‌شک بدون اجرای برنامه‌های اجتماع - مبنا محقق نخواهد شد و این برنامه‌ها در جهت زندگی در این سکونتگاه‌ها کمک شایانی خواهند کرد. از مطالعات هم‌سو با این موضوع می‌توان به مطالعه‌ی نصیری اشاره کرد که؛ « نشان می‌دهد توجه به دیدگاه مردم و تعامل و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها، ضرورت توجه به رویکردهای برنامه‌ریزی اجتماع‌محور در سیاست‌های کاهش فقر شهری را ضروری می‌سازد» (نصیری، ۱۴: ۱۳۹۳). پژوهش‌های آری نشان می‌دهد؛ « راهکارهای ارائه‌شده در برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی، از حذف و تخریب تا بهسازی و توانمندسازی این سکونتگاه‌ها تنوع داشته است. عده‌ای آن را به‌عنوان یک معضل اجتماعی قلمداد می‌کنند و به تخریب یا رها کردن آن‌ها به حال خود معتقدند و عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران بر این باورند علی‌رغم این که این سکونتگاه‌ها دارای مشکلات

و مسائل فراوانی می‌باشند؛ اما امروزه به‌عنوان یک‌راه حل شناخته و تنها راه‌خانه‌دار شدن گروهی از افراد تهی دست جامعه قلمداد شده و تخریب آن‌ها در سطح جهان و ایران نه عملی و نه انسانی است و با برنامه‌ریزی‌های دقیق و منسجم می‌توان از توان و ظرفیت این سکونت‌گاه‌ها در راستای سامان‌دهی آنان استفاده نمود. تجارب اخیر در این زمینه حاکی از غلبه دیدگاه توانمندسازی و توجه به برنامه‌های اجتماع — مینا در مواجهه با مسأله‌ی سکونت‌گاه‌های غیررسمی است» (ایازی، ۱۳۹۱: ۱). کاظمی و مالکی در مطالعات خود بیان می‌کنند؛ «با توجه به آمادگی فعالان اجتماعی توسعه نسبت به پذیرش رویکرد اجتماع - مینا و همچنین وجود سازمان‌های دولتی و غیردولتی متعدد در کشور، مطالعات راهبردی موجود و تجارب کشورهای مختلف، پژوهش آن‌ها «توسعه‌ی توانمندسازی اجتماع — مینا را در ایران» پیشنهاد می‌کند به‌نحوی که؛ فعالیت سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در این خصوص طرح‌ریزی شود و خدمات حمایتی به جوامع محلی با رویکرد سامان‌دهی اجتماع — مینا برنامه‌ریزی گردد» (کاظمی و مالکی، ۱۳۹۰: ۱۵). مطالعات گیلس پیه (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که؛ «به‌کارگیری رویکرد اجتماع‌محور در برنامه‌های توانمندسازی و پروژه‌های بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی؛ به افزایش اثربخشی، کارایی و پایداری برنامه‌ها در پرداختن به اولویت‌ها و نیازهای فقیرترین ساکنان در این سکونت‌گاه‌ها می‌انجامد» (گیلس پیه، ۲۰۰۳: ۴). در نهایت می‌توان گفت رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع- مینا با کاربرد بیش‌تر در جوامع در حال توسعه و محلات غیررسمی، یکی از سازوکارهای موجود در کمک به توسعه و سامان‌دهی در آن‌هاست.

منابع

- ایازی، سید محمد هادی (۱۳۸۹). سکونتگاه‌های غیررسمی و برنامه‌ریزی‌های اجتماع‌محور با تأکید بر کلان‌شهر تهران. فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، ۱۹(۷۳)، ۶۴-۷۳.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۶) اسکان غیر رسمی جلوه‌ای از توسعه ناپایدار شهری مورد: شهر کرمانشاه، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی
- پورخباز، حمیدرضا، جوانمردی، سعیده، یآوری، احمدرضا و فرجی سیکبار، حسنعلی. (۱۳۹۲). کاربرد روش تصمیم‌گیری چندمعیاره و مدل تلفیقی Anp-Dematel در آنالیز تناسب اراضی کشاورزی (مطالعه موردی: دشت قزوین). محیط‌شناسی، ۳۹(۳)، ۱۵۱-۱۶۴.
- تیموری، مصطفی، جمشیدی، علیرضا و روستا، کورش. (۱۳۹۰). بررسی و اولویت‌بندی چالش‌های حاشیه‌نشینان منطقه دهلکوه شهرستان بیرجند. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۲(۳)، ۵۳-۶۸.
- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی). هفت شهر، ۱(۸)، ۱۲-۲۴.
- زالی، نادر، پیری، عیسی و تقیلو، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). امکان‌سنجی بکارگیری رهیافت‌های توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ناحیه گلشهر مشهد. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای (توقف انتشار)، ۳(۱۲)، ۱۱۹-۱۳۴.
- زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۹). کاربرد فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲(۴۱)، ۷۹-۹۰.
- صابری فر رستم. تعیین شکاف کیفیت خدمات ارائه شده در شهرداری‌ها (نمونه موردی شهر مشهد). فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی. ۱۳۹۲؛ ۲۸ (۲): ۱۲۷-۱۴۰.
- صافی، مظفر. (۱۳۸۱). پیشنهاد راهبرد توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران. تامین اجتماعی، ۴(۱)، ۱۱۳-۱۲۴.

کاظمی، موسی و مالکی، مجتبی (۱۳۹۰) مقایسه نگرش خبرگان بومی و دست اندرکاران دولتی درباره رویکرد توانمندسازی اجتماع محور در توسعه محلی (مطالعه موردی: بخش جلیل آباد و شهرستان ورامین)، همایش سازمان ها و مراکز دولتی و عمومی.

کلهرنیا، بیژن (۱۳۸۷) مطالعات ارتقاء و توانمندسازی یافت های فقیرنشین شهری، فرصتی برای تجدید حیات الگوهای مرسوم شهرسازی در ایران. هفت شهر، ۲ (شماره ۲۳ و ۲۴)، ۳۰-۳۹.

نصیری، اسماعیل. (۱۳۹۳). چالش های فقر شهری و ضرورت رویکرد راهبردهای اجتماع محور در سکونتگاه های غیر رسمی (مطالعه موردی: محله بی سیم شهر زنجان). *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، ۹ (۲۷)، ۱۵۳-۱۶۸. نیمروزی ناوخی، نوروزی و چراتی، عیسی (۱۳۹۳) رویکرد اجتماع محور و نسبت آن با مساله حاشیه نشینی. همایش ملی مسائل اجتماعی ایران و رویکرد اجتماع محور، اصفهان.

A kayo, F. (2010). Slums in Africa, (new approach) World Bank.

Akhtari, Sh. (2011). The Role of Activists in Community-Based Empowerment Plans for Renovation and Improvement of Neighborhoods, *Online Journal of Renovation*, Second Year, No. 13, Tehran City Renovation Organization.

Allen, K. (2006). Community Based Disaster Preparedness and Climate Adaptation: Local Capacity Building in the Philippines, *Disasters*, 30(1), P.81-101.

Asian Development Bank. (2007). Supporting Community-Driven Development in Developing Member Countries, *Technical Assistance Report*. Manila

Central Bank of Iran (2008). *Economic-Statistical Quarterly*.

Egger, S. (2005). Environmental Modelling & Software, Determining a sustainable city model.

GhasemiKhozani, M & Hadizadeh Bazar, M. (2003). Informal Housing and Improvement of Urban Slums, *Journal of Municipalities*.

Gillespie, S. (2003). Scaling Up Community Driven Development: A Synthesis of Experience.

Hall, P., & Ulrich, P. (2000). Urban FUTUR21, A Global Agenda for twenty First Century Cities/E & EN Spone/London.

Hallop, A., & Pfeiffer, Z. (2000). Informal settlements' needs and environmental conservation in Mexico City: An unsolved challenge for land-use policy, *Land Use Policy* 28 (200) 649-662.

Pars Arian Raoud Consulting Engineers. (2013). Empowerment program for informal settlements and empowerment measures for their communities with emphasis on urban improvement of Ardabil from a urban perspective.

Piran, P. (2008). From Informal Housing to Tracing: Finding a Solution, *Seven Cities*, No. 23. (in Persian)

Rustaie, M., Palizban, S. (2010). Analysis of socio-economic qualitative indicators based on field studies and observations in order to identify informal settlements, *City Weekly Quarterly*, No. 29-30. (in Persian)

Shibani, A., and Gholami, M. (2011). Informal Housing, Causes, Consequences and Solutions, *Third Conference on Urban Planning and Management*.

Taleshi, M. (2009). Informal settlements and sustainable urban development case study: Metropolis of Mashhad in northeastern of Iran, *department of Geography, Payamnoor university, Tehran, Iran*.

Ulack, R. (1978). The role of urban squatter settlements, *Annals of the association of American geography*, Vol. 68, No.

UNDP. (1997). Human Development, Report 1997. Newyork: *Oxford university press*. ch. 485.

UN-HABITAT. (2005). Slums of the World: the Face of Urban Poverty in the New Millennium?

Wekesa, B.W., Steyn, G.S., & Otieno, F.A.O. (2011). A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlements, *Habitat International* 35 (2011) 238-245.

Zeilhofer, P., & Topanotti, V. (2008). GIS and ordination techniques for evaluation of environmental impacts in informal settlements: A case study from Cuiaba, *central Brazil. Applied Geography*.